

آینده پژوهی نقش چیدمان نهادهای مدنی در بهینه سازی توان سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مجید گل پرور* حسین حسینی نژاد** و مهدی حسینی باقری***

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰	شماره صفحه: ۱۴۵-۱۱۳
-------------------	-------------------------	------------------------	---------------------

پیشچیدگی روزافزون جوامع امروز به طور فزاینده‌ای بار توسعه و ثبات سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه را برعهده نهادهای مدنی قرار داده است. نهادهای مدنی چه بر ساخته دولت باشند و چه بر ساخته جامعه مدنی، اگر دارای چیدمانی باشند که بتوانند تمامی ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی را به خدمت گیرند، نظامی سیاسی با خود به ارمغان می‌آورند که به تدریج با پیشبرد توسعه و رساندن آن به شرایطی پایدار؛ از احتمال زوال سیاسی کاسته و موجب ارتقای توان سیاسی کشور شده و در بهترین حالت آن را به مرز بهینگی خواهند رساند.

اما امروزه در ایران چیدمان این نهادها در وضعیتی نیست که موجب بهینگی توان سیاسی جمهوری اسلامی باشد و برعکس، به دلیل ضعف در به کارگیری تمامی ظرفیت‌های اجتماعی، بخش‌های جذب نشده را در مسیر تضعیف توان سیاسی جمهوری قرار داده و موانعی جدی برای توسعه سیاسی ایجاد کرده است. با این توضیح این پرسش پیش می‌آید که چیدمان نهادهای مدنی در آینده چه نقشی در بهینه سازی توان سیاسی جمهوری اسلامی خواهد داشت؟

پژوهش حاضر با بررسی چیدمان نهادهای مدنی و اخذ روندها، به روش سناریو نویسی به شیوه تایدا و با تعیین شاخص‌های مربوطه و تحلیل آثار متقابل متغیرها به دنبال یافتن سناریوی مطلوب است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از میان همه سناریوها، سناریویی که در آن نهادهای مدنی مردم ساخت با اهداف خیرخواهانه، با اهداف نفوذ و با اهداف انتفاعی به ترتیب بیشترین تعداد را داشته باشد می‌تواند بیشترین افزایش را در توان سیاسی ایجاد کرده و آن را بهینه کند.
کلیدواژه‌ها: آینده پژوهی؛ نهادهای مدنی؛ چیدمان؛ توان سیاسی؛ بهینه سازی؛ جمهوری اسلامی ایران

* استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: majid.golparvar@gmail.com

** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران؛

Email: h.hoseini14957@gmail.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران؛

Email: mehdi.hassanibakri@gmail.com

مقدمه

توسعه و توسعه‌یافتگی رابطه‌ای مستقیم با مجموع توانمندی‌های گوناگون یک کشور دارد و مهمترین توانمندی یک کشور توانمندی سیاسی آن به حساب می‌آید. با پیچیدگی‌های روزافزون جوامع در دنیای امروز، نظام‌های سیاسی اگر موفق به بهینه‌سازی توان سیاسی خود نشوند، یعنی نتوانند در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه توان سیاسی خود را به حداکثر برسانند، نه تنها از حرکت در مسیر توسعه باز خواهند ماند؛ بلکه به تدریج در سراسیمی ضعف و زوال سیاسی قرار خواهند گرفت. عوامل متنوع و بسیاری در افزایش یا کاهش توان سیاسی مؤثرند و در این بین شاید مهمترین آنها نهادهای مدنی و چگونگی استقرار آنها کنار یکدیگر باشد.

در جامعه پیچیده و پرتنوع امروزه ایران، به نظر می‌آید الگوی دیرینه دولت متمرکز قادر به حل مسائل نیست و تمرکززدایی و تکثرگرایی برای پیشبرد توسعه سیاسی از طریق به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی موجود امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌عبارت‌دیگر، جمهوری اسلامی ایران از طریق جذب و هم‌افزایی توان سیاسی تمامی لایه‌ها، گروه‌های اجتماعی و سیاسی خواهد توانست به ثبات سیاسی پایدار دست پیدا کند. امری که به نظر می‌رسد در دهه اخیر به دلیل ضعف در پذیرش نهادهای مدنی با چالش‌های جدی مواجه بوده و از این رو در به حداکثر رساندن و بهینه‌سازی توان سیاسی خود ناکام مانده است. هرچند نهادهایی مدنی متعددی توسط دولت ساخته و حمایت و تقویت شده‌اند، اما این نهادهای مدنی دولت‌ساخت نتوانسته‌اند فراگیر شوند و امکان جذب توان سیاسی همه گروه‌ها و لایه‌ها را فراهم آورند.

از سوی دیگر آن بخش از جامعه که به دلیل ضعف در نهادمندی فرصت‌چندانی برای مشارکت نیافته‌اند به تدریج نهادهای مدنی خود را ساخته و نظام سیاسی را به چالش کشیده‌اند. چگونگی تعامل و استقرار نهادهای مدنی مردم‌ساخت با نهادهای مدنی دولت‌ساخت در کنار یکدیگر می‌تواند در آینده توان سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در مسیر حداکثر شدن و بهینگی یا در مسیر ضعف و زوال قرار دهد.

یافتن و ارائه مدلی از ساخت و چیدمان نهادی که بتواند ظرفیت جذب نظام سیاسی

را افزایش داده و توان نظام سیاسی را به نقطه بهینه نزدیک کند، نیازمند شناخت و تجسم آینده‌های بالقوه است. در واقع کشف متغیرها و پیشران‌های اثرگذار آینده و دستیابی به سناریوهای محتمل و مطلوب مرتبط با موضوع می‌تواند تصور بهتری از آینده و فرصت‌های دنیای فردا را فراهم آورد. این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تایدا و تلفیق آن با چندین روش آینده‌پژوهی به این مهم دست یابد. از این رو پرسش‌های ذیل مطرح می‌شود: برای آینده چیدمان نهادهای مدنی و نقش آن در بهینه‌سازی توان سیاسی جمهوری اسلامی ایران محتمل‌ترین سناریوها کدام‌اند؟ و سناریوی مطلوب کدام سناریوست؟.

۱. مبانی نظری

کارآمدی در فرهنگ علوم سیاسی به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت، توانایی و لیاقت معنا شده است. برخی کارآمدی را مترادف با کارایی در نظر گرفته‌اند؛ یعنی قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص. کارآمدی در یک نظام سیاسی همان توانایی رسیدن به اهدافی است که متناسب با امکانات کشور بوده و سطح کیفی دستیابی به آرمان‌ها را در یک نظام تعیین می‌کند. از سوی دیگر کارآمدی، هم منبع مشروعیت و هم مشروعیت‌زا و موجب تقویت آن است. در حقیقت کارآمدی در حوزه مفهوم «مشروعیت‌یابی» قرار می‌گیرد که به معنای فرایندی است که حکومت‌ها به بسط و گسترش سرمایه اجتماعی خود و همچنین بالا بردن درجه رضایت مردم می‌پردازند و سعی می‌کنند مقبولیت اجتماعی و موقعیت سیاسی خود را تثبیت کنند و به عبارتی «مشروعیت ثانویه» را به دست آورند.

بهینه‌سازی فرایندی است که برای بهتر کردن چیزی دنبال می‌شود. فکر، ایده و یا طرحی که به وسیله یک دانشمند یا یک مهندس مطرح می‌شود، طی روال بهینه‌سازی بهتر می‌شود. در هنگام بهینه‌سازی، شرایط اولیه با روش‌های مختلف بررسی قرار می‌شوند و اطلاعات به دست آمده، برای بهبود بخشیدن به یک فکر یا روش مورد استفاده قرار می‌گیرند. بهینه‌سازی ابزاری ریاضی است که برای یافتن پاسخ بسیاری از پرسش‌ها در خصوص چگونگی راه‌حل مسائل مختلف به کار می‌رود. در بهینه‌سازی از یافتن بهترین جواب برای یک مسئله صحبت می‌شود. لفظ بهترین به طور ضمنی بیان می‌کند که بیش از

یک جواب برای مسئله مورد نظر وجود دارد که البته دارای ارزش یکسانی نیستند. برخی از مسائل دارای جواب‌های بیشینه یا کمینه متعددی هستند که به نقاط بهینه یا اکسترمم شناخته می‌شوند و احتمالاً بهترین جواب یک مفهوم نسبی خواهد بود. بهینه‌سازی یک فرایند ریاضی و یا آزمایش تجربی است به نحوی که با تغییر دادن ورودی‌ها و خصوصیات یک دستگاه، بهترین خروجی یا نتیجه به دست بیاید (مطیع قادر و سید اسفهلان، ۱۳۸۹: ۲-۱). مفهوم دیگری که در ادبیات جدید سیاسی ارتباط زیادی با کارایی و اثربخشی دارد، مفهوم ظرفیت جذب است. این مفهوم از اقتصاد کلان نشئت گرفته و به توانایی یک اقتصاد برای بهره‌برداری و جذب اطلاعات از منابع خارجی گفته می‌شود. این واژه که در سال ۱۹۹۰ توسط کوهن و لوینهاال معرفی شد نشان‌دهنده «توانایی شرکت در تشخیص ارزش‌های جدید، اطلاعات خارجی، جذب و به‌کارگیری آنها برای اهداف تجاری شرکت است» (گودرزی، جهانی و آفاخانی، ۱۳۹۴: ۵۴). مفهوم ظرفیت جذب که از نظریه تکاملی بنگاه‌ها نشئت می‌گیرد در موضوع قابلیت‌های پویا مطرح می‌شود. این قابلیت شرکت‌ها را قادر به پاسخگویی در برابر تغییرات در محیط کسب‌وکار می‌کند. براساس این مدل از بنگاه‌هایی که ظرفیت جذب بالایی دارند، انتظار می‌رود که نسبت به رقبای خود عملکرد بهینه و کارآمدی بهتری داشته باشند (الهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴).

کارآمدی با مفاهیمی همچون کارایی و اثربخشی مترادف شده است (قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص و بهره‌برداری بهینه). از آنجاکه نظام‌های سیاسی، گسترده‌ترین و کلان‌ترین شکل نظام‌های مدیریتی هستند و دستیابی به حداکثر کارآمدی نهادهای سیاسی جزء اصلی‌ترین خواست‌های این نظام محسوب می‌شود، علم سیاست نیز خواه‌ناخواه با آن درگیر شده است. بدیهی است گسترده‌ترین و مقتدرترین سازمان موجود، یعنی دولت نیز به دنبال دستیابی به این هدف حیاتی است تا به این وسیله ظرفیت جذب شهروندان را بیش از پیش تضمین کند (عطار و کمالی‌زاده، ۱۳۹۷: ۳-۴).

دانشمندانی چون جیمز فیرون و دیوید لایتین، ظرفیت دولت را ظرفیت نهادهای دولت در حوزه‌های مختلف می‌دانند (همان: ۱۱). بنابراین دولت‌ها تلاش می‌کنند با افزودن قابلیت‌های خود، از طریق بازدمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی، توان

پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۴: ۱۸). در واقع افزایش ظرفیت جذب را باید از طریق طراحی و ایجاد نهادهای نوین دنبال کرد. در این باره نظریه نهادگرایی که در اعتراض به مبانی کلاسیسم و فردگرایی حاکم بر آن بنیاد نهاده شده - همان‌گونه که از نامش پیداست - اصالت را به نهادهای می‌دهد. پیتراوانز در چارچوب مکتب نهادگرایی تلاش می‌کند تا به منظور دستیابی و تحقق توسعه با تأکید بر نقش دولت، رابطه این نهاد مهم بشری با جامعه و جامعه مدنی را بررسی کند. از نظر او دولت برای پیشبرد اهداف توسعه در عین حال که باید رویه خودگردان و خودمدار را در پیش بگیرد، لازم است تا با گروه‌های مختلف اجتماعی ارتباط داشته باشد. تأکید بر جامعه مدنی بیانگر آن است که تأسیس نهادهای توسعه به مثابه فرایندی درون‌زاست و فقط در صورتی که جامعه پتانسیل حضور این نهادها را داشته باشد، دوام می‌آورد و می‌تواند مفید واقع شوند؛ در غیر این صورت، تأسیس این نهادها از طریق فشار خارجی به جز حرکتی بطنی و کوتاه‌مدت، ثمره‌ای ندارد (غفاری و رادمرد، ۱۳۹۶: ۹۷).

هانتینگتون نیز مشکل سیاست را واپس ماندگی نهادهای سیاسی نسبت به دگرگونی‌های اجتماعی می‌داند (بشیریه، ۱۳۸۷: ۲۴). از دیدگاه هانتینگتون توسعه سیاسی عبارت است از آفرینش نهادهای سیاسی دارای ویژگی‌های پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۸۶). به عقیده او از آنجاکه در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد در غیر این صورت با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند (قوام، ۱۳۷۹: ۱۶). بنابراین جوامع سیاسی که در سطوح پایین اشتراک و نهادمندی سیاسی تعادل خوبی دارند، ممکن است در آینده دچار بی‌ثباتی شوند، مگر آنکه رشد نهادهای سیاسی همگام با گسترش دامنه اشتراک سیاسی تحقق یابد، چنین جوامعی را باید ناستوار به شمار آورد. اما جوامعی که توانسته‌اند نهادهای سیاسی نوین و وسیعی را ایجاد کنند و همچنین قادر بوده‌اند اشتراک سیاسی بسیار گسترده‌ای را جذب کنند باید جوامعی استوار

دانست. این جوامع دارای نهادهایی هستند که استعداد جذب نیروهای اجتماعی تازه را به درون نظام دارند و به همین دلیل می‌توانند با سطح بالارونده اشتراک سیاسی ناشی از نوسازی خودشان را تطبیق دهند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۷۶). بر این اساس نوع دومی از نهادگرایی در ادبیات سیاسی مطرح می‌شود که به حوزه علوم انسانی معطوف است. این نگرش از نهادگرایی در دو شکل حقوقی تفکیک قوا و سیاست تقویت جامعه مدنی و یا حیطه گستره عمومی مطرح می‌شوند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۸). این دیدگاه معتقد است پیچیدگی، تقسیم کار و شکل‌گیری درخواست‌های مشارکت‌طلبانه ایجاب می‌کند که نخبگان سیاسی برای افزایش ظرفیت نظام به نهادسازی روی بیاورند. چنانچه بین ظرفیت نظام و درخواست‌های نوظهور توازن ایجاد نشود، احتمال دارد افزونی تقاضا بر ظرفیت، زمینه‌ساز فروپاشی نظام شود (همان: ۱۷۱).

۲. روش‌شناسی پژوهش

در مطالعات آینده‌پژوهی از روش‌های گوناگون و متنوعی استفاده می‌شود. در شرایطی که داده‌های دقیقی در دست نیست و شرایط دارای ابهام و عدم قطعیت بالاست معمولاً از روش سناریونویسی برای مطالعه آینده استفاده می‌شود. سناریونویسی هرچند دارای اصول علمی مشخصی است، اما شیوه‌های متفاوتی برای نگارش آن به کار گرفته می‌شود. سناریونویسی به شیوه تایدا یکی از شناخته شده‌ترین و مهمترین شیوه‌های سناریونگاری به حساب می‌آید که در این پژوهش از شیوه تایدا برای نگارش سناریو استفاده شده است. تایدا شامل پنج مرحله «تعقیب، تحلیل، تصور، تصمیم و اقدام» است. در روش تایدا یعنی در موضوع مورد نظر ابتدا چشم‌ها و گوش‌ها را باز نگه داشته و تغییرات و نشانه‌های تهدیدها و فرصت‌ها را پیگیری می‌کنیم، سپس نتایج به دست آمده را تجزیه و تحلیل کرده و سناریو می‌سازیم. در مرحله سوم احتمالات را شناسایی و چشم‌اندازهای مطلوب را تصویرسازی می‌کنیم و سپس به اطلاعات وزن داده و راهکارها و راهبردها را مشخص می‌کنیم. در نهایت اهداف کوتاه‌مدت را وضع کرده و گام اول را برمی‌داریم و فعالیت‌هایمان را دنبال می‌کنیم (لیندگرن و باند هولد، ۱۳۸۶: ۵۳).

شکل ۱. مروری بر فرایند تایدا



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در مرحله تعقیب با واکاوی و بررسی منابع مختلف و مستندات موجود، روندها و متغیرهای مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی شد. سپس با کمک نرم‌افزار میک مک و تشکیل میزنخبگی و تجزیه و تحلیل نمودارها و داده‌های به دست آمده؛ تأثیر متقابل میان متغیرها سنجیده و نیروهای محرک و پیشران آینده کشف شد. در مرحله دوم با تحلیل داده‌های به دست آمده حالات مختلف نیروهای پیشران تعریف و با استفاده از نرم‌افزار سناریوویزارد، سناریوهای ممکن ساخته شد. در مرحله سوم از میان سناریوهای ممکن، سناریو مطلوب انتخاب و با سناریوی محتمل مقایسه و فاصله میان آنها متصور و تجزیه و تحلیل شد. اکنون نوبت راهبرد نویسی است.

۳. فرایند تایدا

۳-۱. تعقیب

به معنای ردیابی تغییرات و شناسایی علائم تهدیدها یا فرصت‌هاست و عبارت است از یافتن روندها، محرک‌ها^۱ و عدم قطعیت‌هایی^۲ که بر پیرسش‌های آینده ما تأثیر می‌گذارند (تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۸۱). تعقیب به معنای باز نگه داشتن چشم‌ها و گوش‌ها، به هوش بودن و توجه به علائم و نشانه‌هاست. هدف این مرحله دنبال کردن تغییرات و تشریح دقیق آنها و تعیین تأثیر بروز این تغییرات بر مسئله مورد نظر است (Lindgren and Bandhold, 2003). برای این منظور

1. Trends
2. Drivers
3. Uncertaintis

نیازمند تشریح دقیق متغیرهای پژوهش هستیم، اما پیش از آن لازم است تا یک سیمای کلی از جامعه مدنی در ایران به دست آوریم.

۱-۱-۳. سیمای نهادهای مدنی در ایران

ایران به طور کلی جامعه‌ای پرهیاو و فرهنگی است و ذات مدنی دارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ۲۸۲). مدنیت برای ارضای نیازهای خود به ابزار و نهاد نیاز دارد (خدادادی، ۱۳۸۴: ۱۳۶). در واقع پیش شرط جامعه مدنی، نهادهای مدنی هستند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۴). البته جامعه مدنی در ایران با آنچه در تصور غربی وجود دارد متفاوت است. این جامعه مدنی بیش از آنکه مبتنی بر افراد شهروند و اجتماعات باشد، مبتنی بر نهادها و اجتماعات است (کمالی و پولادی، ۱۳۸۱: ۳۴). با توجه به اینکه در ایران وزارتخانه‌ها و سازمان‌های گوناگونی متولی ساماندهی و صدور مجوز برای فعالیت نهادهای مدنی هستند؛ امکان دستیابی به یک آمار دقیق و فراگیر محقق نشد. جدول ۱ نمونه‌ای از اطلاعات آماری در مورد فعالیت بخش‌هایی از نهادهای مدنی و شبه مدنی و نوع فعالیت آنهاست که در منابع گوناگون در دسترس قرار دارد.

جدول ۱. آمار جامعه مدنی

ردیف	نوع نهاد	نوع نهاد	بستر فعالیت	تعداد	منبع گزارش	تاریخ گزارش
۱	سازمان‌های مردم‌نهاد	مدنی	فرهنگی، اجتماعی، توسعه‌ای، بهداشت، درمان و ...	۷۹۶	سایت وزارت کشور	۱۳۹۸
۲	سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان	مدنی	فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و علمی	۳۰۲۷	سایت وزارت ورزش و جوانان	۱۳۹۸
۳	سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی	مدنی	طبیعت‌گردی، حیات وحش، آلاینده‌گی و ...	۷۶۰	سایت سازمان حفاظت محیط زیست	۱۳۹۷
۴	سازمان‌های مردم‌نهاد زنان	مدنی	امور زنان و خانواده	۲۷۲۷	گزارش امور زنان و خانواده ریاست جمهوری	۱۳۹۷
۵	مراکز و سمن‌های خیریه	مدنی	توانمندسازی، آموزش، مددکاری و ...	۲۴۰۰۲	پایگاه اطلاع‌رسانی خیریه‌ها و سمن‌های کشور	۱۳۹۷
۶	تشکل‌ها و انجمن‌های صنفی غیرسیاسی	مدنی	حوزه صنوف	۴۶۲	سایت وزارت کشور	۱۳۹۷

ردیف	نوع نهاد	نوع نهاد	بستر فعالیت	تعداد	منبع گزارش	تاریخ گزارش
۷	هیئت‌های مذهبی	مدنی	مذهبی و فرهنگی	۹۰۰۰۰	خبرگزاری مهر به نقل از مدیر کل سازمان تبلیغات اسلامی	۱۳۹۲
۸	مدارس غیردولتی	مدنی	آموزشی و فرهنگی	۱۶۷۰۰	خبرگزاری ایرنا به نقل از معاون وزیر آموزش و پرورش	۱۳۹۸
۹	مراکز آموزش عالی غیردولتی	مدنی	آموزشی و فرهنگی	۳۰۰	سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۳۹۸
۱۰	سازمان مستضعفین	شبه‌مدنی	همه حوزه‌ها	۲۵۰۰۰۰۰۰ نفر	خبرگزاری مشرق به نقل از سردار نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین	۱۳۹۵
۱۱	کمیته امداد امام خمینی (ره)	شبه‌مدنی	خدمات اجتماعی و توانمندسازی نیازمندان	۸۴۷ واحد	مرکز آمار ایران	۱۳۹۷
۱۲	بنیاد برکت	شبه‌مدنی	کمک و همیاری برای بهبود و ارتقای توانمندی اقتصادی و کارآفرینی افراد، گروه‌ها و واحدهای کسب‌وکار	نم‌شخص	سایت بنیاد برکت	۱۳۹۸
۱۳	سازمان بهزیستی	شبه‌مدنی	مددکاری اجتماعی	۱۷۵۱۰	مرکز آمار ایران	۱۳۹۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، به‌رغم اینکه نهادها و اجتماعات تأسیس شده در آمار و ارقام از لحاظ عددی کم نیستند و هم‌اکنون در کشور بالغ بر ۱۵۸۰۰۰ نهاد مدنی و شبه‌مدنی در زمینه‌های رفاهی، توسعه‌ای، حمایتی، آموزشی، شبکه‌سازی، پژوهشی، مذهبی، فرهنگی، ورزشی، محیط زیست و ... در حال فعالیت هستند و این به غیر از آمار پایگاه‌های بسیج است که خود عددی قابل توجه را تشکیل می‌دهد؛ ولی این نهادها از منظر کیفی هنوز قالب منسجمی نداشته و ساختاری ناپایدار دارند. در واقع آن چیزی که در نگاه اول دیده می‌شود، ملغمه‌ای از نهادهای مدنی و شبه‌مدنی است که در حوزه‌های عملکردی جزیره‌ای، گسسته، موازی و گاهی اوقات در تضاد هستند. با بررسی دقیق‌تر وضعیت نهادهای مدنی می‌توان تا حد زیادی به یک دسته‌بندی دست یافت. در این دسته‌بندی نهادهایی که در ایران به نوعی فعالیت مدنی دارند را می‌توان از دو منظر

دسته‌بندی کرد. اول از بُعد پدیداری است که نهادها به دو گروه نهادهای مدنی که توسط مردم ایجاد شده‌اند (مردم‌ساخت) و نهادهای شبه‌مدنی که توسط دولت و نظام سیاسی پدید آمده‌اند (دولت‌ساخت) (مسعود و ساعی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

دسته‌بندی دیگر از منظر اهداف فعالیت این نهادهاست. با توجه به اینکه انسان‌ها دارای نیازهای متنوعی هستند بنابراین نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌ها نوع خاصی از انگیزه‌ها را به وجود می‌آورند که در شکل دادن به رفتارها با یکدیگر رقابت می‌کنند. از آنجاکه انگیزه‌ها خاستگاه نیازها هستند؛ بنابراین انگیزه‌ها نیز متفاوت‌اند و انگیزه‌های متفاوت هدف‌های متفاوتی را ایجاد می‌کنند. این هدف‌ها در جهت دهی فعالیت فردی و جمعی انسان‌ها تأثیر زیادی دارد (روشن‌روان، ۱۳۹۶: ۶۳). اگرچه در کشور برابر اساسنامه‌ها و مجوزهای صادر شده، حوزه فعالیت نهادهای مدنی و شبه‌مدنی کاملاً مشخص است، اما آنچه در عمل دیده می‌شود به‌گونه دیگری است؛ به طوری که عمده هدف فعالیت نهادهای مدنی را با توجه به انگیزه‌ها و خواسته‌های اعضای آن باید در سه جهت کسب منفعت، کسب نفوذ و اهداف خیرخواهانه دسته‌بندی کرد (Arts, 2005).

حداقل از لحاظ نظری انتظار می‌رود نهادها، اجتماعات و سازمان‌های مدنی ماهیتی غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی داشته باشند، اما در واقعیت شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد فارغ از نام، نشان و وابستگی نهادهای مدنی و شبه‌مدنی؛ اولویت اول بسیاری از آنها کسب منفعت اقتصادی و یا کسب نفوذ سیاسی - اجتماعی است و تنها بخشی از آنها اولویت اول خود را به انجام امور خیرخواهانه متمرکز کرده و به فعالیت‌هایی پرداخته‌اند که خیر عمومی در آنها دیده می‌شود. از این رو عمده اثرگذاری و فعالیت‌های مدنی در جمهوری اسلامی در اختیار نهادهای مدنی نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت اگرچه مصالح فراوان است اما جامعه هنوز نتوانسته خشت خشت عناصر و نهادهای مدنی خود را طوری چینش کند تا بنا و عمارتی مستحکم، وسیع و کاربردی بسازد. علاوه بر اینکه گنجایش و تحمل جای دهی به همه افراد، گروه‌ها، طبقات و سلیق جامعه را داشته باشد؛ از این ظرفیت در جهت افزایش توان نظام سیاسی استفاده کند. از این رو نیازمند یک چیدمان صحیح و به‌روز است. در یک شمای کلی وضعیت نهادهای مدنی را به صورت شکل زیر می‌توان نشان داد.

شکل ۲. دسته‌بندی فعلی نهادهای مدنی



مأخذ: همان.

پس از تشریح و دسته‌بندی وضعیت نهادهای مدنی، به بررسی متغیر دیگری از پژوهش نیاز داریم. در یک تقسیم‌بندی و رویکرد ارگانیک، توان یک نظام سیاسی پنج حوزه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. اما آنچه که در این پژوهش مدنظر قرار گرفته توان سیاسی نظام است.

شکل ۳. توان نظام سیاسی



مأخذ: مرکز پژوهش‌های دکتربنال، ۱۳۹۲:۱۰.

توان سیاسی حوزه‌ای از توانمندی است که خود متشکل از مجموعه‌ای از زیرتوانمندی‌هاست. از میان مطالعات و بررسی منابع گوناگون، توانمندی‌های حفظ ارزش‌ها و هویت، ایجاد انسجام و همبستگی، انعطاف و سازگاری، کشف و پاسخگویی به مطالبات، بسیج سیاسی، مدیریت بحران، جذب و مشارکت سیاسی، آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی و در نهایت آگاه‌سازی و هدایت سیاسی به‌عنوان سنجه‌های توان سیاسی شناسایی و احصا شدند.

شکل ۴. سنجه‌های توان سیاسی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

تلاقی دو دسته‌بندی (دولت‌ساخت و مردم‌ساخت) که پیشتر در خصوص نهادهای مدنی و توان سیاسی انجام پذیرفت؛ در نهایت ماتریسی از سنجه‌ها را تشکیل می‌دهد که براساس آن می‌توان تأثیر هرگونه تغییر یا ثبات در روند نهادهای مدنی بر توان سیاسی را مورد ارزیابی قرار داد. جدول ذیل این ماتریس را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس سنجه‌ها

توان سیاسی								توانمندی حفظ ارزش‌ها و هویت	توانمندی ایجاد انسجام و همبستگی	توانمندی انعطاف و سازگاری	توانمندی کشف و پاسخگویی به مطالبات	توانمندی بسیج سیاسی	توانمندی مدیریت بحران	توانمندی جذب و مشارکت سیاسی	توانمندی آموزش و جامه‌پذیری سیاسی	توانمندی آگاه‌سازی و هدایت سیاسی
								مدنی با هدف کسب منفعت								
								مدنی با هدف خیرخواهی								
								شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ								
								شبه‌مدنی با هدف کسب منفعت								
								شبه‌مدنی با هدف خیرخواهی								

مأخذ: همان.

۳-۲. تحلیل

به معنای بررسی نتایج حاصل از تغییرات و ساختن سناریوهاست. اگر تعقیب به دنبال یافتن تغییرات و کشف الگوها، روندها، تهدیدها و فرصت‌هاست؛ تحلیل به دنبال کشف نتایج حاصل از تغییر در وضعیت کنونی است و می‌خواهد رابطه میان روندها و تمایلات را بشناسد (در واقع می‌خواهد دریابد آنچه رخ می‌دهد؛ چقدر شبیه آن چیزی است که باید بشود!). پرسش اصلی این است که «اگر این اتفاق بیفتد، آنگاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟» پس از این که روندها تعیین شدند، می‌توان فهمید که خیلی از آنها مکمل یکدیگرند؛ برخی از روندها نقش نیروی محرک را بازی می‌کنند و برخی دیگر حاصل روندهای محرک هستند. وظیفه بخش تحلیل، بازشناسی این دو گروه روندها و ارتباط میان آنهاست (تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۸۵). به این معنا که بتوان با برآورد تغییرات متغیرها در آینده، تغییرات متغیر وابسته در آینده را حدس زد. درستی این امر در گرو ارزیابی و معرفی نیروها و عوامل پیشرانی است که رویدادهای آتی و وضعیت پدیده در آینده را شکل می‌دهند. اگر این نیروها و عوامل به درستی تشخیص و ارزیابی شوند، ادامه کار به سامان است (حاجیان، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

۱-۲-۳. شناسایی نیروها و محرک‌های پیشران

از آنجاکه در مطالعات آینده پژوهی پژوهشگر با حجم زیادی از داده‌ها سروکار دارد، استفاده از نرم افزارهای مناسب ضروری به نظر می‌رسد زیرا انجام محاسبات پیچیده به صورت دستی طاقت‌فرسا، وقت‌گیر و گاه ناممکن است. در این بخش از پژوهش نیروها و محرک‌های پیشران با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک شناسایی می‌شوند. این نرم‌افزار در اصل ابزاری برای شکل دادن به ایده‌هاست. با این ابزار می‌توان یک سیستم را به کمک ماتریسی که اجزای آن را به هم پیوند می‌دهد، توصیف کرد. با بررسی این پیوندها می‌توان متغیرهای لازم برای دگرگونی سیستم را مشخص کرد. این ابزار را می‌توان به تنهایی یا به‌عنوان بخشی از یک فعالیت پیچیده در پیش‌بینی به‌کار برد (روحانی و آجرلو، ۱۳۹۴: ۹).

جدول ۳. ماتریس تشکیل شده در نرم‌افزار میک‌مک

توان نظام سیاسی	
توانمندی آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	
توانمندی آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	
توانمندی جذب و مشارکت سیاسی	
توانمندی مدیریت بحران	
توانمندی بسیج سیاسی	
توانمندی کشف و پاسخگویی به مطالبات	
توانمندی اعتدال و سازگاری	
توانمندی ایجاد انسجام و همبستگی	
توانمندی حفظ ارزش‌ها و هویت	
مطلبی یا هدف‌خیرخواهانه	
مطلبی یا هدف کسب نفوذ	
مطلبی یا هدف کسب منفعت	
شبه‌مطلبی یا هدف‌خیرخواهانه	
شبه‌مطلبی یا هدف کسب نفوذ	
شبه‌مطلبی یا هدف کسب منفعت	
	شبه‌مطلبی یا هدف کسب منفعت
	شبه‌مطلبی یا هدف کسب نفوذ
	شبه‌مطلبی یا هدف‌خیرخواهانه
	مطلبی یا هدف کسب منفعت
	مطلبی یا هدف کسب نفوذ
	مطلبی یا هدف‌خیرخواهانه
	توانمندی حفظ ارزش‌ها و هویت
	توانمندی ایجاد انسجام و همبستگی
	توانمندی اعتدال و سازگاری
	توانمندی کشف و پاسخگویی به مطالبات
	توانمندی بسیج سیاسی
	توانمندی مدیریت بحران
	توانمندی جذب و مشارکت سیاسی
	توانمندی آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی
	توانمندی آگاه‌سازی و هدایت سیاسی

برای به‌کارگیری این نرم‌افزار ابتدا باید متغیرها و مؤلفه‌های مهم در حوزه مورد نظر شناسایی و در ماتریس تحلیل اثرات وارد شوند. از این‌رو سنجه‌های شناسایی شده در بخش تعقیب به‌عنوان سطرها و ستون‌های ماتریس تأثیر متقابل در نرم‌افزار میک‌مک وارد شد (جدول ۳). سپس نگارندگان بعد از مشورت با متخصصان و اخذ نظرات کارشناسان، نظر خود در مورد میزان ارتباط میان این سنجه‌ها را به‌عنوان نظر نهایی با اعداد بین صفر تا سه (صفر بدون تأثیر، یک تأثیر ضعیف، دو تأثیر متوسط و سه تأثیر زیاد) وزن دهی کرده و در ماتریس نرم‌افزار وارد کردند. در این ماتریس متغیرهای سطرها تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها تأثیرپذیرند. جدول زیر رتبه‌بندی سنجه‌ها براساس تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم را نشان می‌دهد.

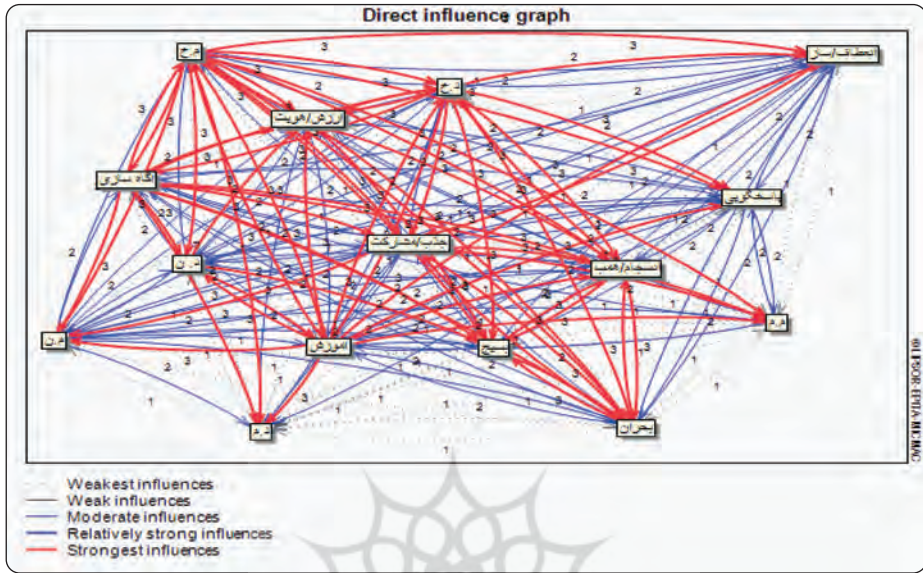
جدول ۴. رتبه‌بندی متغیرها براساس اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم

تأثیرگذاری مستقیم		تأثیرگذاری غیرمستقیم	
رتبه	نام سنجه	نام سنجه	رتبه
۱	نهاد مدنی با هدف خیر خواهانه	نهاد مدنی با هدف خیر خواهانه	۱
۲	توانمندی آموزش و جامعه پذیری سیاسی	توانمندی آموزش و جامعه پذیری سیاسی	۲
۳	توانمندی آگاه سازی و هدایت سیاسی	توانمندی آگاه سازی و هدایت سیاسی	۳
۴	نهاد شبه مدنی با هدف خیر خواهانه	نهاد شبه مدنی با هدف خیر خواهانه	۴
۵	توانمندی جذب و مشارکت سیاسی	توانمندی جذب و مشارکت سیاسی	۵
۶	نهاد شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	نهاد شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	۶
۷	توانمندی حفظ ارزشها و هویت	توانمندی حفظ ارزشها و هویت	۷
۸	نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	۸
۹	توانمندی انعطاف و سازگاری	توانمندی انعطاف و سازگاری	۹
۱۰	توانمندی ایجاد انسجام و همبستگی	توانمندی ایجاد انسجام و همبستگی	۱۰
۱۱	توانمندی کشف و پاسخگویی به مطالبات	توانمندی کشف و پاسخگویی به مطالبات	۱۱
۱۲	توانمندی مدیریت بحران	توانمندی مدیریت بحران	۱۲
۱۳	توانمندی بسیج سیاسی	توانمندی بسیج سیاسی	۱۳
۱۴	نهاد مدنی با هدف کسب منفعت	نهاد مدنی با هدف کسب منفعت	۱۴
۱۵	نهاد شبه مدنی با هدف کسب منفعت	نهاد شبه مدنی با هدف کسب منفعت	۱۵

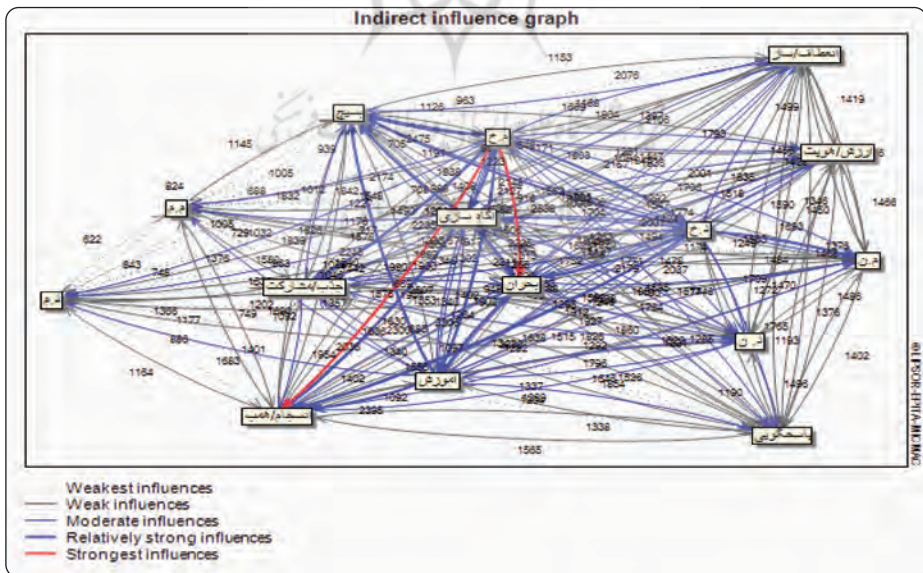
مأخذ: همان.

براساس این رتبه‌بندی نهادهای مدنی با هدف خیرخواهانه رتبه اول تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم را در بین سنجه‌ها داراست و سایر سنجه‌ها در مراحل بعدی رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. این اثرگذاری و اثرپذیری میان متغیرها را می‌توان با نمودار متناظر آن نیز نشان داد که در آن جهت تأثیرگذاری توسط پیکان‌ها و میزان تأثیرگذاری به صورت عددی در بالای پیکان نمایش داده می‌شود.

نمودار ۱. آثار مستقیم عوامل کلیدی (بسیار ضعیف تا بسیار قوی)

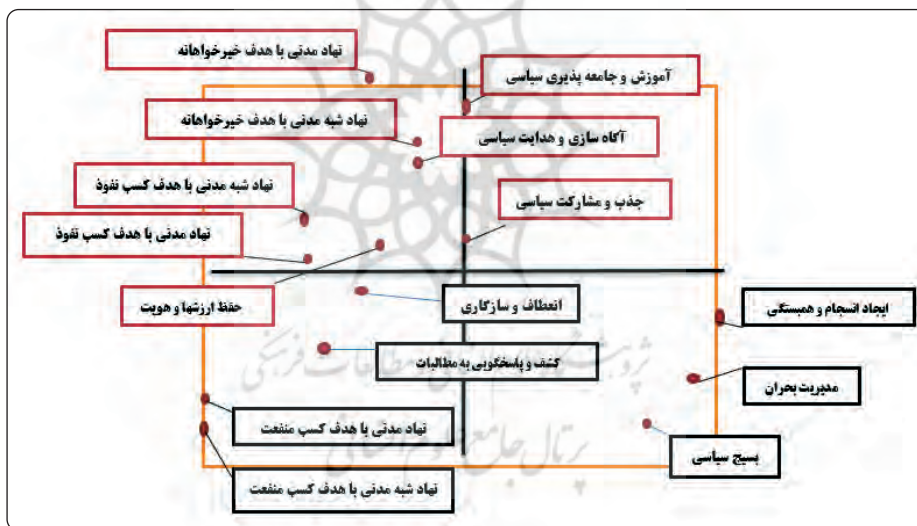


نمودار ۲. آثار غیرمستقیم (بسیار ضعیف تا بسیار قوی)



در کنار نمودارهای ارائه شده، نقشه وضعیت رابطه میان متغیرها توسط نرم‌افزار نیز ترسیم می‌شود. نقشه‌ای که دربرگیرنده متغیرهای ساختاری سیستم است و قبلاً در ستون‌ها و سطرهای جدول تعریف شده بودند (جدول ۳). این نقشه روابط مستقیم بین متغیرهای سیستم را توصیف می‌کند. همان‌گونه که مشخص است، نرم‌افزار متغیرها را براساس داده‌های وارد شده به ماتریس، در چارک‌های اثرگذاری و اثرپذیری نمایش می‌دهد؛ به طوری که تأثیرات و وابستگی مستقیم میان متغیرها را به خوبی توصیف می‌کند. مختصات متغیرها نشان دهنده میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان آنهاست. در نقشه ذیل سنجه‌های پیشران که بیشترین اثرگذاری را در موضوع پژوهش داشته‌اند به خوبی دیده می‌شوند.

نقشه ۱. وضعیت عوامل کلیدی در نقشه نرم‌افزار میک‌مک



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

برای درک و شناخت بهتر عوامل پیشران با توجه به اطلاعات نقشه، نمودارها و جداول نرم‌افزار میک‌مک می‌توان سنجه‌های مربوط به هر کدام از متغیرها را به تفکیک به صورت جداول زیررتبه‌بندی و نشان داد.

جدول ۵. رتبه‌بندی سنجه‌های نهادهای مدنی

نام شاخص	رتبه میان تمام سنجه‌ها	رتبه میان سنجه‌های متغیر نهادهای مدنی	نام متغیر
نهاد مدنی با هدف خیرخواهی	اول	اول	نهادهای مدنی
نهاد شبه‌مدنی با هدف خیرخواهی	چهارم	دوم	
نهاد شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ	ششم	سوم	
نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	هشتم	چهارم	
نهاد مدنی با هدف کسب منفعت	چهاردهم	پنجم	
نهاد شبه‌مدنی با هدف کسب منفعت	پانزدهم	ششم	

مأخذ: همان.

جدول ۶. رتبه‌بندی سنجه‌های توان نظام سیاسی

نام شاخص	رتبه میان تمام سنجه‌ها	رتبه میان سنجه‌های متغیر نهادهای مدنی	نام متغیر
توانمندی آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	دوم	اول	توان نظام سیاسی
توانمندی آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	سوم	دوم	
توانمندی جذب و مشارکت سیاسی	پنجم	سوم	
توانمندی حفظ ارزش‌ها و هویت	هفتم	چهارم	
توانمندی انعطاف و سازگاری	نهم	پنجم	
توانمندی ایجاد انسجام و همبستگی	دهم	ششم	
توانمندی کشف و پاسخگویی به مطالبات	یازدهم	هفتم	
توانمندی مدیریت بحران	دوازدهم	هشتم	
توانمندی بسیج سیاسی	سیزدهم	نهم	

مأخذ: همان.

۲-۲-۳. معرفی عوامل و سنجه‌های پیشران

به‌طورکلی تجزیه‌وتحلیل داده‌های به دست آمده از پژوهش حاضر مهمترین و تأثیرگذارترین عوامل و سنجه‌های پیشران در بخش‌های نهادی و توان سیاسی را

به ترتیب؛ نهادهای مدنی مردم‌ساخت با هدف خیرخواهی و توانمندی آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی معرفی می‌کند و سایر سنجه‌ها در رتبه‌های بعدی جدول پیشرانی قرار می‌گیرند.

جدول ۷. عوامل و سنجه‌های پیشران

نام شاخص	رتبه	نام متغیر	نام شاخص	رتبه	نام متغیر
نهاد مدنی با هدف خیرخواهی	اول	توانمندی	توانمندی آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	اول	توانمندی
نهاد شبه‌مدنی با هدف خیرخواهی	دوم		توانمندی آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	دوم	
نهاد شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ	سوم		توانمندی جذب و مشارکت سیاسی	سوم	
نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	چهارم		توانمندی حفظ ارزش‌ها و هویت	چهارم	

مأخذ: همان.

۳-۲-۳. طراحی سناریو

بعد از شناسایی نیروهای پیشران نوبت به طراحی سناریو می‌رسد. هدف از سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و افزایش طیف گزینه‌هایی است که می‌توانند در اختیار ما باشند (Porter, 1996). طراحی سناریو نیازمند تصور وضعیت‌های مختلفی برای عوامل و نیروهای پیشران است. برای این منظور وضعیت‌های افزایش، کاهش و بدون تغییر به‌عنوان حالت‌های تغییر و یا ثبات برای عوامل پیشران در نظر گرفته شده است. در واقع به دنبال شناخت این واقعیت هستیم که اگر هر کدام از پیشران‌های مربوط به متغیر نهادهای مدنی در یکی از وضعیت‌های ذکر شده قرار گیرد، پیشران‌های توان سیاسی در چه وضعیتی قرار خواهند گرفت. جدول ۸ بخشی از این حالت‌های ممکن را نشان می‌دهد. از میان سناریوهای ممکن، تعدادی از سناریوها با واقعیت موجود سازگاری بیشتری داشته و به‌عنوان سناریو با سازگاری بیشتر انتخاب شده‌اند (جدول ۹). بعد از آن از میان سناریوهای با سازگاری بیشتر؛ پنج سناریو با عنوان بدترین حالت (فاجعه)، بهترین حالت (معجزه)،

بدون تغییر (خنثی)، بدتر شدن شرایط (بد بود) و بهتر شدن شرایط (بهبود) در نظر گرفته شده است (جدول ۱۰). در نهایت از میان این آنها، سناریویی که احتمال وقوع بیشتری دارد به عنوان سناریوی محتمل و سناریویی که بیشترین مطلوبیت را دارد به عنوان سناریوی مطلوب معرفی می شود.

جدول ۸. سناریوهای ممکن

ردیف	نام	وضعیت	آموزش و جامعه پذیری سیاسی	آگاه سازی و هدایت سیاسی	جذب و مشارکت سیاسی	حفظ ارزش ها و هویت	
۱	نهادهای شبه مدنی مردم ساخت با هدف خیرخواهانه	افزایش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	
		بدون تغییر	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
			کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید
		کاهش	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
			کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
۲	نهادهای شبه مدنی دولت ساخت با هدف خیرخواهانه	افزایش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	
		بدون تغییر	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
			کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید
		کاهش	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
			کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش

ردیف	نام	وضعیت	آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	جذب و مشارکت سیاسی	حفظ ارزش‌ها و هویت	
۳	نهادهای شبه مدنی دولت‌ساخت با هدف کسب نفوذ	افزایش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	
		بدون تغییر	کمی کاهش	کاهش	کاهش	کمی کاهش	کمی کاهش
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
		کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کمی کاهش
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	کمی افزایش	افزایش	افزایش
۴	نهادهای شبه مدنی مردم‌ساخت با هدف کسب نفوذ	افزایش	کاهش	کمی کاهش	کاهش	کاهش	
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	
		بدون تغییر	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کمی کاهش
			بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
		کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
			بدون تغییر	بدون تغییر	کمی افزایش	بدون تغییر	بدون تغییر
			افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش

جدول ۹. سناریوهای با سازگاری بیشتر

ردیف	نام متغیر	حالت	آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	جذب و مشارکت سیاسی	حفظ ارزش‌ها و هویت
۱	نهادهای مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
		بدون تغییر	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
		کاهش	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید
۲	نهادهای شبه‌مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
		بدون تغییر	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
		کاهش	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید
۳	نهادهای شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش
		بدون تغییر	کمی کاهش	بدون تغییر	کاهش	کمی کاهش
		کاهش	کاهش	کمی افزایش	کاهش	کمی کاهش
۴	نهادهای مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش	افزایش	کمی کاهش	افزایش	افزایش
		بدون تغییر	کاهش	بدون تغییر	کاهش	کمی کاهش
		کاهش	کاهش	کمی افزایش	کاهش	کاهش

مأخذ: همان.

از میان دوازده سناریوی سازگار؛ پنج عنوان با نام‌های فاجعه، بد بود، خنثی، معجزه و بهبود معرفی شدند. هر کدام از این سناریوها وضعیتی را نشان می‌دهند که طی آن با وقوع یک تغییر و یا ثبات در حالت‌های نهادهای مدنی با هدف خیرخواهانه، نهادهای شبه‌مدنی با هدف خیرخواهانه، نهادهای مدنی با هدف کسب نفوذ، نهادهای شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ چه تغییرات کاهشی و یا افزایشی در سنج‌های توان سیاسی روی می‌دهد.

جدول ۱۰. سناریوهای محتمل

ردیف	نام سناریو	نوع چیدمان نهادهای مدنی	وضعیت	آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	جذب و مشارکت سیاسی	حفظ ارزش‌ها و هویت
۱	معجزه	مردم ساخت با هدف خیرخواهانه	افزایش	افزایش خیلی زیاد	افزایش خیلی زیاد	افزایش خیلی زیاد	افزایش خیلی زیاد
		شبه مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	کاهش				
		شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	کاهش				
۲	بهبود	نهاد مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش	افزایش	کمی کاهش	افزایش	افزایش
		نهاد شبه مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش				
		نهاد شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش				
۳	خنثی	نهاد مدنی با هدف خیرخواهانه	بدون تغییر	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
		نهاد شبه مدنی با هدف خیرخواهانه	بدون تغییر				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	بدون تغییر				
		نهاد شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	بدون تغییر				
۴	بد بود	نهاد مدنی با هدف خیرخواهانه	کاهش	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید	کاهش شدید
		نهاد شبه مدنی با هدف خیرخواهانه	کاهش				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	کاهش				
		نهاد شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	کاهش				
۵	فاجعه	نهاد مدنی یا هدف خیرخواهانه	کاهش	کاهش خیلی شدید	کاهش شدید	کاهش خیلی شدید	کاهش خیلی شدید
		نهاد شبه مدنی با هدف خیرخواهانه	کاهش				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش				
		نهاد شبه مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش				

مأخذ: همان.

به‌طورکلی تحلیل اطلاعات و داده‌های به دست آمده در مرحله تحلیل ضمن معرفی عوامل پیشران در موضوع پژوهش با پایش سناریوهای ممکن و سازگار به تصور سناریوهای محتمل پرداخته و از خلال آن نشان می‌دهد که هرگونه ثبات یا تغییر در وضعیت نهادهای مدنی و شبه‌مدنی بر توان سیاسی اثر خواهد گذاشت. بر این اساس اگرچه افزایش کمیت این نهادها سبب افزایش نسبی توان سیاسی خواهد شد، اما نکته مهم این است که این افزایش اغلب باید در مورد نهادهایی اتفاق بیفتد که اهداف خیرخواهانه را دنبال می‌کنند و پیشی گرفتن نهادهایی که با هدف کسب نفوذ فعالیت می‌کنند از نهادهای مدنی و شبه‌مدنی خیرخواهانه نتیجه عکس را دربرخواهد داشت (شکل ۳).

۳-۳. تصور

تجسم و تصویری که ما از آینده داریم تا حد زیادی سهم بسزایی در تحقق یا عدم تحقق آینده به آن صورت که ما آن را می‌پنداریم دارد (مونرو، ۱۳۸۵: ۱۴). از این رو یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین پرسش‌های آینده‌پژوهان تجسم این است که تصویرهای آینده چه ماهیتی دارند و از میان آنها کدام یک مطلوب‌تر است تا افراد بتوانند خود را با آن سازگار کنند یا به‌گونه‌ای رفتار کنند که آینده دلخواه خود را بسازند (بل، ۱۳۹۱: ۱۷۴). در واقع آینده‌پژوهان با تجسم دنیای مطلوب فردا، سناریوی مطلوب را طراحی کرده و آن را به سناریوهای محتمل مطابقت داده تا نزدیک‌ترین سناریو به سناریوی مطلوب مشخص شود. طبیعی است از میان سناریوهای محتمل، بهترین و مطلوب‌ترین حالت سناریوی معجزه است تا توان نظام سیاسی در حد نهایی بهینگی قرار گیرد (جدول ۱۱). در این حالت چیدمان به‌گونه‌ای است که نهادهای مدنی مردم‌ساخت و شبه‌مدنی دولت‌ساخت با هدف خیرخواهانه افزایش چشمگیری یافته و برعکس نهادهای مدنی و شبه‌مدنی دولت‌ساخت و مردم‌ساخت که با هدف کسب نفوذ و یا منفعت در جامعه وجود داشته‌اند به شدت کاهش پیدا می‌کنند. در این وضعیت توانمندی‌های سیاسی شامل آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی، آگاه‌سازی و هدایت سیاسی، جذب و مشارکت سیاسی، حفظ ارزش‌ها و هویت افزایش زیادی خواهد یافت. این افزایش باعث می‌شود تا توان نظام سیاسی در حالت بهینه قرار گیرد.

جدول ۱۱. سناریوی مطلوب چشم‌انداز

ردیف	نام سناریو	نوع چیدمان نهادهای مدنی	وضعیت	آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	جذب و مشارکت سیاسی	حفظ ارزش‌ها و هویت
۱	معجزه	نهاد مدنی یا هدف خیرخواهانه	افزایش	افزایش خیلی زیاد	افزایش خیلی زیاد	افزایش خیلی زیاد	افزایش خیلی زیاد
		نهاد شبه‌مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	کاهش				
		نهاد شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ	کاهش				

مأخذ: همان.

از بررسی روندها می‌توان برداشت کرد که وقوع سناریوی مطلوب همان‌گونه که از نامش پیداست بیشتر شبیه به معجزه است و با توجه به واقعیت‌های موجود جامعه وقوع آن چندان محتمل به نظر نمی‌رسد؛ اما می‌تواند به‌عنوان چشم‌انداز و افق چیدمانی نهادهای مدنی، مسیر حرکت را نشان دهد. چشم‌اندازی که با رسیدن به آن چیدمان نهادهای مدنی در بهترین و ایدئال‌ترین حالت خود قرار می‌گیرند. در چنین وضعیتی بالاترین و گسترده‌ترین سطح نهادهای مدنی، مربوط به آنهایی است که هدفی جزء کسب خیر را دنبال نمی‌کنند و سایر نهادهای مدنی با فاصله زیاد و در سطوح پایین‌تر جای می‌گیرند. در واقع دیدگاه ما این است که هر اندازه چیدمان نهادهای مدنی از منظر ساختاری از سمت دولت‌ساختی به سمت مردم‌ساختی حرکت و از لحاظ اهداف از سمت کسب منفعت و نفوذ به سمت خیرخواهی گسترش پیدا کنند به همین اندازه توان نظام سیاسی نیز افزایش خواهد یافت. بنابراین برای رسیدن به حد نهایی و نقطه بهینه باید این مسیر دنبال شود.

۴-۳. تصمیم

تصمیم‌گیری، مطالعه برای تشخیص و انتخاب گزینه‌هایی برای یافتن بهترین راه‌حل مبتنی بر انتظارات، تمایلات و مقدرات و همچنین سبک و سنگین کردن اطلاعات و انتخاب یا ساخت راهبردهاست (Nigim, Munier and Green, 2004). تصمیم‌گیری مرحله‌ای است که همه چیز به هم مربوط می‌شود. تا این قسمت محیط آینده؛ تعقیب،

تحلیل و تصور شده است و هم‌اکنون باید تصمیم گرفت چگونه از فرصت‌ها استفاده و از تهدیدها دوری کرد. تصمیم هم انتخاب کردن است و هم رد کردن (تیشه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۹۶). در این مرحله باید تصمیم گرفت که از میان سناریوهای محتمل کدام یک باید اجرایی شود و از کدام یک باید پرهیز کرد. در این مرحله نباید فراموش کرد که نقطه عزیمت برای رسیدن به آرمان‌های فردا، واقعیت‌های امروز است بنابراین در تحلیل سناریوها باید سناریویی را که بتواند وضعیت فعلی را بهبود بخشد و براساس واقعیت‌های امروز به‌عنوان نقطه شروع مورد استفاده قرار گیرد شناسایی شود و مورد استفاده قرار گیرد.

۱-۴-۳. سناریو کاربردی

در مرحله تجسم از میان سناریوهای محتمل یک سناریو به‌عنوان سناریوی بهبود معرفی شد که حالتی بینابین دارد و نوعی از چیدمان نهادهای مدنی را پیش رو می‌گذارد که طی آن وضعیت توان سیاسی به نقطه بهینگی خود میل می‌کند. اگرچه ممکن است این سناریو با نقطه آرمانی و مطلوب فاصله داشته باشد، اما برای بهبود شرایط با واقعیت‌های امروز بیشترین سازگاری را دارد.

جدول ۱۲. سناریوی بهبود شرایط سناریوی کاربردی

ردیف	نام سناریو	نوع چیدمان نهادهای مدنی	وضعیت	آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی	آگاه‌سازی و هدایت سیاسی	جذب و مشارکت سیاسی	حفظ ارزش‌ها و هویت
۱	بهبود	نهاد مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش	افزایش	کمی کاهش	افزایش	افزایش
		نهاد شبه‌مدنی با هدف خیرخواهانه	افزایش				
		نهاد مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش				
		نهاد شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ	افزایش				

مأخذ: همان.

در این سناریو هر چهار گروه نهادهای مدنی با هدف خیرخواهانه، نهادهای شبه‌مدنی با هدف خیرخواهانه، نهادهای مدنی با هدف کسب نفوذ و نهادهای شبه‌مدنی با هدف نفوذ به ترتیب افزایش می‌یابد که نتیجه آن؛ افزایش توانمندی‌های آموزش و جامعه‌پذیری سیاسی، جذب و مشارکت سیاسی، حفظ ارزش‌ها و هویت است. این افزایش کمیت کمک خواهد کرد تا ظرفیت گنجایش و ساماندهی نظام سیاسی در جای دهی به همه افراد، گروه‌ها و طبقات و سلايق افزایش یابد. نکته قابل تأمل در این سناریو این است که با توجه به اینکه هدف از فعالیت نهادهای مدنی و شبه‌مدنی با هدف کسب نفوذ، نفوذ هرچه بیشتر بر افراد جامعه است؛ از این نهادها درباره توانمندی آگاه‌سازی و هدایت جامعه نباید انتظار عملکرد قابل قبولی را داشت. این نهادها معمولاً سعی می‌کنند واقعیت‌های جامعه را آن‌گونه که می‌خواهند برای مردم تفسیر کنند و در مسیر هدایت سیاسی، ترجیح می‌دهند جامعه را به سمتی رهنمون کنند که بیشترین نفوذ را برای آنها به همراه داشته باشد که این با آگاه‌سازی و هدایت صحیح فاصله دارد. بنابراین این بخش از توانمندی نه تنها افزایش نخواهد داشت، بلکه کاهش نیز خواهد داشت و این با شرایط ایدئال فاصله دارد. باین حال هرچه باشد به نظر می‌رسد که در گام اول، این سناریو می‌تواند بسیار راهگشا باشد. افزایش پهنای باند نهادهای مدنی و شبه‌مدنی خیرخواه به معنای گسترش فعالیت گروه‌ها و نهادهای ایثارگرو فداکاری است که هدفی جز خیر عمومی را دنبال نمی‌کنند. این نهادها می‌توانند به شکل نهادهای مدنی خیریه باشند و یا حتی همچون تجربه موفق جهاد سازندگی به شکل یک نهاد شبه‌مدنی خود را بروز دهند. اتفاقات و بحران‌های اخیر در کشور همچون سیل خوزستان و سیستان و به ویژه شیوع ویروس کرونا فضایی را به وجود آورد که جلوه‌هایی از فعالیت و تأثیر این‌گونه از نهادها به خوبی دیده شود. فعالیت گروه‌های جهادی، فعالان عرصه کمک‌های مؤمنانه، اکپ‌های پزشکان داوطلب، گروه‌های محرومیت‌زدا، آفرودسواران، تیم‌های دانشجویی، خیرین مدرسه‌ساز، تیم عصر جدید و... نمونه‌هایی از این دست هستند که نیازمند گسترش هرچه بیشتر آنها هستیم.

۵-۳. اقدام

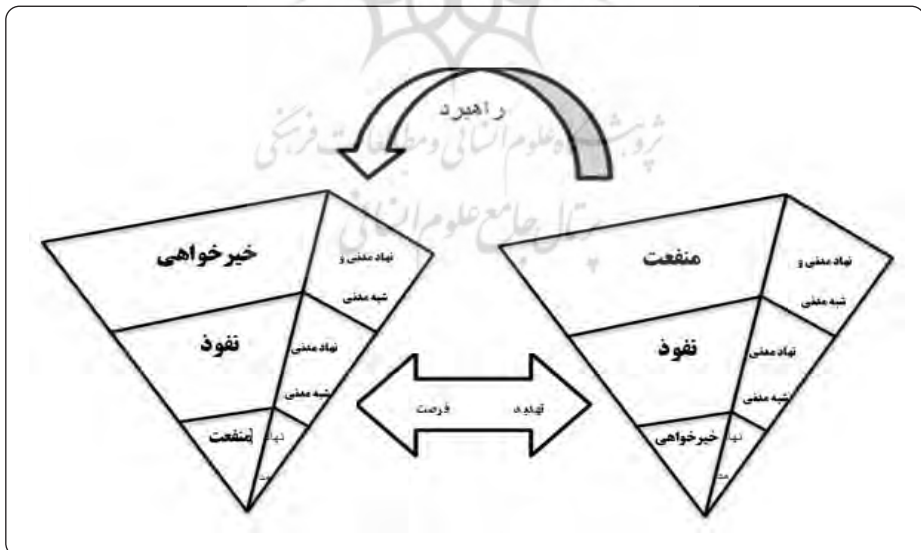
به معنای تعیین اهداف کوتاه‌مدت، برداشتن اولین گام‌ها و دنبال کردن آنها تا رسیدن به نتیجه مطلوب است. واژه اقدام در فرایند سناریونویسی می‌تواند دو معنا داشته باشد: یکی به معنای به اجرا درآوردن راهبردهایی است که درباره آنها تصمیم گرفته‌اید که در این حالت سیستم‌ها به

خوبی می‌دانند چگونه از ابزارهای همیشگی استفاده کنند. دیگری به معنای ادامه دادن روند برنامه‌ریزی سناریویی در قالب در نظر گرفتن تغییرات محیطی، تعریف فرایندها، تداوم تطبیق خود با محیط، برنامه‌ریزی بر اساس سناریوی جدید و... است (Chakravarthy, 1997). در مسیر آینده هرگونه اقدامی نیازمند استراتژی و راهبرد مناسب است. معمولاً در آینده‌پژوهی؛ راهبردها مسیر رسیدن از آینده‌های محتمل به آینده مطلوب را نشان می‌دهند. در این راهبردها تلاش می‌شود تا در نهایت ضمن رعایت بیشترین فاصله با تهدیدات، از فرصت‌ها بیشترین استفاده به عمل آید.

۱-۵-۳. مسیر اقدام و حرکت راهبردی

چیدمان نهادهای مدنی در جمهوری اسلامی شبیه به مخروطی وارونه است که از بلوک‌هایی تشکیل شده که یک بُعد آن را نهادهای مدنی مردم‌ساخت و بُعد دیگر آن را نهادهای شبه مدنی مردم‌ساخت و بُعد سوم آن را اهداف نهادها در قالب هدف خیرخواهی، هدف کسب نفوذ و هدف کسب منفعت تشکیل می‌دهد.

شکل ۵. راهبرد چیدمان نهادهای مدنی



مأخذ: همان.

هرگونه تغییر در این ابعاد تأثیراتی را بر توان سیاسی در پی خواهد داشت. براساس جدول سناریوهای محتمل (جدول ۱۰)، مطلوب‌ترین حالت در چیدمان نهادهای مدنی؛ حالتی است که نهادهای مدنی با هدف خیرخواهی بیشترین تعداد و بالاترین سطح نهادهای مدنی را در جامعه به خود اختصاص دهند و سایر نهادهایی که با هدف کسب نفوذ و کسب منفعت فعالیت می‌کنند در کمترین تعداد و پایین‌ترین سطح قرار گیرند. بنابراین مسیری که راهبرد چیدمان نهادهای مدنی نشان می‌دهد نیازمند حرکت در سه جهت است: اول حرکت از سمت قلت به سمت کثرت به صورتی که تعداد نهادهای مدنی به آن میزان در جامعه افزایش یابد که بستر و زمینه فعالیت برای تمام افراد، اقشار، گروه‌ها، طبقات و شئون جامعه فراهم شود. دوم تغییر اهداف نهادها از کسب نفوذ و منفعت به سمت خیرخواهی، به طوری که نهادهای خیرخواه در بالاترین سطح قرار گیرند و سایر نهادهای مدنی در سطوح پایین‌تر قرار گیرند. البته جهت سومی نیز وجود دارد که در درازمدت باید مورد توجه قرار گیرد و آن حرکت از سمت دولت‌ساختی به سمت مردم‌ساختی است به طوری که در نهایت اکثریت نهادهای مدنی توسط مردم و در انحصار جامعه قرار گیرد و دولت این بخش را به مردم واگذارد. شکل ۵ وضعیت این نوع چیدمان را نشان می‌دهد. اکنون که راهبرد مشخص است نوبت به اقدام عملی است که باید توسط دستگاه‌ها و مجموعه‌های مربوطه مدنظر قرار گیرد و برنامه‌ریزی و دنبال شود.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافتن و ارائه مدلی از ساخت و چیدمان نهادی که توان سیاسی را افزایش داده و بتواند توان نظام سیاسی را به نقطه بهینه خود نزدیک کند ابتدا نیازمند شناخت و تجسم آینده‌های بالقوه است. به واقع کشف متغیرها و پیشران‌های اثرگذار آینده و دستیابی به سناریوهای محتمل و مطلوب مرتبط با موضوع می‌تواند تصور بهتری از آینده و فرصت‌های دنیای فردا را فراهم آورد. روندپژوهی تحقیق نشان می‌دهد که چیدمان امروز نهادهای مدنی در ایران شبیه به مخروطی وارونه، متشکل از بیش از ۱۵۸۰۰۰ نهاد مدنی مردم‌ساخت و نهاد شبه‌مدنی دولت‌ساختی است که با هدف خیرخواهی، کسب نفوذ و کسب منفعت فعالیت می‌کنند.

هرگونه تغییر در ابعاد و چینش نهادهای مدنی تأثیراتی را بر توان نظام سیاسی در پی خواهد داشت. بر این اساس بهترین چینش برای نهادهای مدنی در جمهوری اسلامی، چیدمانی است که در آن بیشترین فراوانی مربوط به نهادهای مدنی با هدف خیرخواهی باشد و بالاترین سطح هرم نهادهای مدنی را در جامعه به خود اختصاص دهند و سایر نهادهای مدنی که با هدف کسب نفوذ و کسب منفعت فعالیت می‌کنند در کمترین تعداد و پایین‌ترین سطح قرار گیرند.

اتفاقات و بحران‌های اخیر در کشور همچون سیل خوزستان و سیستان و به‌ویژه شیوع ویروس کرونا فضایی را به وجود آورد که جلوه‌هایی از فعالیت و تأثیر این‌گونه از نهادهای مدنی به خوبی دیده می‌شود. فعالیت گروه‌های جهادی، فعالان عرصه کمک‌های مؤمنانه، اکیپ‌های پزشکان داوطلب، گروه‌های محرومیت‌زدا، گروه آفرودسواران، تیم‌های دانشجویی، خیرین مدرسه‌ساز، تیم عصر جدید و ... نمونه‌هایی از این دست هستند که نیازمند گسترش هر چه بیشتر آنها هستیم. رسیدن به این مقصود نیازمند حرکت راهبردی در سه جهت است:

الف) حرکت و تغییر از سمت قلت به سمت کثرت: به‌صورتی که تعداد نهادهای مدنی به حدی در جامعه افزایش یابد که بستر و زمینه فعالیت برای تمام افراد، اقشار، گروه‌ها، طبقات و شئون جامعه فراهم شود.

ب) حرکت به سمت خیرخواهی: تغییر اهداف نهادهای مدنی از سمت کسب نفوذ و منفعت به سمت خیرخواهی، به‌طوری‌که نهادهای خیرخواه در بالاترین سطح ساخت نهادی قرار گیرند و سایر نهادهای مدنی در سطوح پایین‌تر باشند.

ج) افزایش سهم مردم: موضوعی که در درازمدت باید مورد توجه قرار گیرد. به این معنا که نهادهای شبه‌مدنی دولت ساخت جای خود را به نهادهای مدنی مردم ساخت می‌دهند؛ به‌طوری‌که اکثریت نهادهای مدنی اختصاص به مردم و در انحصار جامعه باشد و دولت این بخش را کاملاً به مردم واگذارد.

منابع و مآخذ

۱. الهی، شعبان، نادیا کلانتری، عادل آذر و محمد حسن‌زاده (۱۳۹۴). «رابطه میان زیرساخت‌های رایج نوآوری، ظرفیت جذب و عملکرد نوآورانه در سطح ملی»، مدیریت نوآوری، سال چهارم، ش ۴.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۷). *موانع توسعه سیاسی در ایران*، چاپ ۶، تهران، گام نو.
۳. بل، وندل (۱۳۹۱). *مبانی آینده‌پژوهی، تاریخچه، اهداف و دانش*، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۴. تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۰). *آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. حاجیبانی، ابراهیم (۱۳۹۰). *مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۶. خدادادی، محمداسماعیل (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی*، قم، انتشارات یاقوت.
۷. خرمشاد، محمدباقر و افشین متقی (۱۳۹۵). «نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال ششم، ش ۱۵.
۸. خلیلی، رضا (۱۳۹۴). «تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی ایران؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هجدهم، ش ۴.
۹. درخشه، جلال و جبار شجاعی (۱۳۹۴). «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه و عمل امام علی (ع)»، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، ش ۱.
۱۰. روحانی، آرش و سعید آجرلو (۱۳۹۴). *آموزش نرم‌افزار میک مک*، تهران، نشر ارنا.
۱۱. روشن‌روان، اله‌بخش (۱۳۹۶). *درآمدی بر مدیریت اسلامی*، قم، انتشارات تحسین.
۱۲. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی در ایران*، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۳. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴). *مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست*، تهران، نشر میزان.
۱۴. عبدی، مرجان و سیدمحمد عباس‌نیا (۱۳۹۵). «آینده‌پژوهی سمن‌های زیست‌محیطی در ایران ۱۴۰۴»، دوفصلنامه حقوق محیط زیست، سال اول، ش ۲.
۱۵. عطار، سعید و محمد کمالی‌زاده (۱۳۹۷). «کارآمدی به مثابه ظرفیت دولت؛ رهیافتی سیاسی به مفهوم کارآمدی»، دوفصلنامه پژوهش سیاست‌نظری، ش ۲۳.
۱۶. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۵). «آینده‌پژوهی سیاسی»، راهبرد، ش ۷۹.

۱۷. غفاری، مسعود و محمد رادمرد (۱۳۹۶). «نهادگرایی در توسعه و چرایی سقوط نظام پهلوی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، ش ۴.
۱۸. قلی‌زاده زاوشتی، مهدی و علی قادری کوچکی (۱۳۹۴). «کاربرد سناریونویسی در بحران‌های سیاسی و امنیتی»، مدیریت بحران و وضعیت اضطراری، ش ۲۵.
۱۹. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۷۹). *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران، نشر قومس.
۲۰. کاشی، محمدجواد و ساناز کرمی (۱۳۹۴). «الگوی پیوندی مشروعیت دولت و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های موارث فرهنگی در ایران»، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۱، ش ۳.
۲۱. کمالی، مسعود و کمال پولادی (۱۳۸۱). *جامعه مدنی، دولت‌سازی در ایران معاصر*، تهران، انتشارات باز.
۲۲. کولایی، الهه و فرزاد کلبعلی (۱۳۹۳). «موانع شکل‌گیری جامعه مدنی در روسیه»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۷، ش ۲.
۲۳. گودرزی، مهناز، صفی‌اله شاه‌قلعه و طالب ابراهیمی (۱۳۹۳). «توسعه سیاسی و موانع آن در ایران پیش از انقلاب اسلامی»، *علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج*، ش ۲۶.
۲۴. گودرزی، مهدی، مهشید جهانی و ام‌البنین آقاخانی (۱۳۹۴). «نقش سیاست‌های حمایتی دولت‌ها در افزایش جذب نوآوری در شرکت‌های کوچک و متوسط»، *رهیافت*، ش ۶۰.
۲۵. لیندگرن، ماتس و هانس باندهود (۱۳۸۶). *طراحی سناریو، پیوند بین آینده و راهبرد*، ترجمه عزیز تاتاری، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲۶. مسعود، زهرا و احمد ساعی (۱۳۹۶). «آینده‌پژوهی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش تحلیل ماتریس سوات»، *فصلنامه رهیافت/انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، ش ۳۹.
۲۷. مسعود، زهرا و احمد ساعی (۱۳۹۶). «آینده‌پژوهی جامعه مدنی در ایران با تأکید بر روش تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها (CLA)»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال سیزدهم، ش ۴۰.
۲۸. مرکز پژوهش‌های دکتربینال (۱۳۹۲). *رویکردهای نظام‌مدار، رویکردهای طرح‌ریزی دکتربینال در افق ۱۴۱۴*، ویراست دوم، تهران، اندیشکده بقین.
۲۹. مطیع قادر، حبیب و میرمهدی سید اسفهلان (۱۳۸۹). «مروری بر برخی روش‌های بهینه‌سازی هوشمند»، *دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر*.

۳۰. موسوی زارع، سیدجواد، سیدهادی زرقانی و هادی اعظمی (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل جایگاه علم و

فناوری در عرصه قدرت سخت، نرم و هوشمند»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، ش ۳.

۳۱. مونرو، مایلز (۱۳۸۵). قدرت چشم‌ننداز، ترجمه فرزانه میرشاه ولایتی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و

فناوری دفاعی.

۳۲. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی،

تهران، انتشارات نشر علم.

33. Bas, Arts (2005). *Non-state Actors in Global Environmentalgovernance*, New

Errangments Beyond The State, This Chapter Will be Published in a 2005 Palgrave

Volume on Global Governance, Edited by M. Koenig -Archibugi and M. Zurn.

34. Chakravarthy, B. (1997). "A New Strategic Framework for Coping with Turbulence",

Sloan Management Review, Cambridge, Vol. 38.

35. Porter, M. (1996). "What is Strategy?", *Harvard Business Review Scenario and*

Scenario Building: An Introduction (Retrieved on: Summer 2009), 21st Century

Trust, <http://www.21stcenturytrust.org/scenario.html>.

36. Lidgren, Mats and Hans Bandhold (2003). *Scenario Planning; the Link between*

Future and Strategy, New York, Palgrave.

37. Nigim, K, N. Munier and J. Green (2004). "Pre-feasibility MCDM Tools to Aid

Communities in Prioritizing Local Viable Renewable Energy Sources", *Renewable*

Energy, Vol. 29.